



مهاجر

سال نهم / شماره بیست و سوم
آذرماه ۱۴۰۲ / جماد الثانی ۱۴۴۵



گاهنامه

نشریه گروه جهاد پزشکی
شهید کاظم آشتیانی



شیراز

روزها و مناسبت‌ها برای این وجود دارند که یاد آور مفاهیمی باشند که روز مرگی باعث فراموشی به آن شده است. آنقدر در اوج هیاهوی تنهایی خود غرق شده‌ایم که همین مناسبت‌ها می‌تواند ما را دور هم زنده نگه دارد...

شب یلدا مصداق همدلی و دوستی است. ما لایه‌های غرور و خود درگیری‌هایمان گم شده‌ایم و شاید همین تلنگرهای کوچک ما را از خواب جهل بیرون کند...

همدلی الزاما محدود به فامیل و دوست نیست؛ محدود به جغرافیا و مرز نیست...

همدلی، ندای فطرت درون است به ماجراهای بیرون... همدلی بخشی از انسانیت بیدار است. انسانیتی که در این ایام دامن‌اش سرخ شده است... انسانیت آنجایی پراز اوج علامت سوال شد که پیش دیدگان جهان، کودکان به جرم دین و جغرافیای‌شان با بمب‌های جگرسوز فسفری سوختند؛ در حالیکه آدم‌هایی تنها دغدغه‌شان بالش نرم خواب بود...

کاش روزی در تقویم باشد که تلنگری برای همدلی جهانی باشد...

یلدا مبارک



بسیج دانشجویی، دانشکده پزشکی
دانشگاه شاهد



گروه جهاد پزشکی
شهید کاظم آشتیانی
دانشکده پزشکی، دانشگاه شاهد

مردی از جنس جهاد...

به بهانه‌ی سالروز **شهادت** مرد رویان...

داستان مردی که نه تنها بنیادی ترین سلول مجموعه‌ی خود بود، بلکه عضو بنیادین مجموعه‌هایی بود که بعد از خودش، به تأثیر از روحیه و آرمان او شکل گرفته بودند.

مردی که خودش سرشار از انگیزه بود و انگیزه بخش برای یارانش.

مردی که برای آرمانش جنگید و جنگیدن را به یارانش یاد داد.

باور، ایمان، علم، تلاش، انگیزه،

اخلاق، تعهد، ایثار و جهاد همگی در

وجود یک انسان به صورت کلمه‌ای واحد وجود داشت.

او آتشی در وجود خود داشت که هیچگاه

اجازه‌ی خاموش شدن به آن را نداد.

آتشی که شاید خیلی‌ها امید به روشن ماندنش نداشتن اما خودش باور داشت که هیچ وقت خاموش نمی‌شود و باعث روشن کردن جرقه‌های دیگری در وجود افرادی از جنس خودش خواهد شد. آتشی

که با شهادت این بزرگمرد عرصه‌ی علم و جهاد در ظاهر بی‌نور شد اما هنوز در حقیقت خود شعله‌ی پرفروغی دارد که دل‌های بسیاری را با آن روشن کرده است؛ مانند شعله‌ی انگیزه در دل تک‌تک فرزندان خود در گروه جهادی **شهید** کاظمی آشتیانی...

تعریف‌های کلیشه‌ای را همواره شنیده‌ایم اما دانستن زندگی

این بزرگمرد، ملموس‌ترین و قابل درک‌ترین تعریف یک جوان مومن انقلابی است.

او بنیاد رویان را بنیادی ساخت.

بعد از خواندن گوشه‌ای از

زندگی‌نامه این دانشمند جهادی،

این جمله‌ی معروف «امروز که مؤثریم

تلاش کنیم، فردا اثر خواهیم شد...» را با گوشه‌ی خود

حس می‌کنید، که چگونه آن بزرگمرد شب و روز گذراند، ایثار و جهاد کرد که

تا اکنون به یک اثر جهانی تبدیل گشته است.

روحش شاد و یادش گرامی



اعتقاد یا مغزشویی...

این روزها، در این دنیای شلوغ و روابط گسترده، همه به دنبال پاسخ پرسش‌های خود و پیدا کردن آنچه زندگی را معنا می‌کند، هستند. انسان همیشه به دنبال آن چیزی است که برایش مفید بوده و هر آنچه که در این راستا باشد، بعنوان یک چیز خوب و درست در درون ما ثبت می‌شود و هر آنچه که با زبان همراه باشد بد تلقی شده و این‌ها مجموعه‌ی اعتقاد ما را شکل می‌دهند و باعث جهت‌گیری عمل ما می‌شوند.

انسان سالم و در حال رشد، مدام در حال تجربه و بازنگری در یافته‌ها و اعتقادات خود است. یعنی یکی از معیارهایی که ما می‌توانیم خود را با آن بسنجیم که آیا در مسیر رشد قرار داریم، این است که چقدر نسبت به تجارب و اطلاعات جدید گشودگی داریم. در این میان شاهد واژه‌ی شست‌وشوی مغزی و از نظر من لیبیل «مغزشویی» هستیم... وقتی این کلمه به کار می‌رود این پیام را دارد که ذهن و اطلاعات شما توسط دیگری کنترل می‌شود و اعتقادات شما به انتخاب شما نیست. واضحاً شنیدن چنین حرفی حس خوبی ندارد و یک فاصله بین ما و گوینده‌ی آن ایجاد می‌کند. چرا که همه‌ی ما در جستجوی حقیقت هستیم و بر اساس خانواده، موقعیت اجتماعی، محل زندگی و... حمل‌کننده‌ی تجاربی هستیم که نگاه ما را شکل داده و وقتی این موضوع زیر سوال برود حس ناامنی می‌کنیم.

امروزه ما، در معرض انبوهی از عوامل مختلفی چون رسانه، اطلاعات جدید و غیره هستیم که ما را تحت تاثیر قرار می‌دهد ولی در نهایت این ما هستیم که انتخاب‌گر پذیرش یا عبور از آن‌ها هستیم؛ که یکی از راه‌های کمک‌کننده به این انتخاب، افزایش آگاهی هست. حواسمان باشد دست یافتن به یک «باور» یا «اعتقاد»، راهی نیست که شما بتوانید به جای دیگران آن را پیمایید. دیگران، خودشان باید به طور مستقیم به آنچه شما بدان رسیده‌اید، برسند و شما حداکثر می‌توانید دلایل و شواهد کافی را برای آنان فراهم کنید و با گوش دادن و گفتگوی با احترام، بدون زیر سوال بردن دیگری، حس امنیت و خیرخواهی خودتان را برسانید و در طول تاریخ نیز می‌بینم که مسیر پیامبران چنین بوده است.



شب چله چیه؟!؟

یلدا به زمان بین غروب آفتاب آخرین روز پاییز تا طلوع آفتاب نخستین روز زمستان گفته می‌شود.

شب چله و شب یلدا به جای هم به کار می‌روند. (یلدا) برگرفته از واژه سریانی به معنای زایش است. واژه چله برگرفته از (چهل) و مخفف (چهله) است. صرفاً نشان دهنده‌ی گذشت یک دوره زمانی معین است نه الزاماً چهل روز.

در واقع چله دو موقعیت گاه‌شمار در طول یک سال خورشیدی است، یکی در آغاز تابستان (تیرماه) و دیگری در آغاز زمستان (دی‌ماه)؛ هر یک متشکل از دو بخش بزرگ (چهل روز) و کوچک (بیست روز) است. چله زمستان از اول دی (در تقویم کنونی ایران) آغاز می‌شود و تا دهمین روز بهمن ماه ادامه دارد، به این ایام چله بزرگ می‌گویند و از دهم بهمن تا پایان این ماه را چله کوچک نامیده می‌نامند.

نجوم و شب یلدا

می‌شود؛ یعنی رفته‌رفته طول روز کم شده و طول شب زیاد می‌شود تا به اول مهر و قطب اعتدال پاییزی می‌رسیم که دوباره شب و روز تقریباً با هم برابر می‌شوند. بعد از ابتدای مهر به تدریج طول روز کم شده و طول شب زیاد می‌شود که با رسیدن به اول دی‌ماه به انقلاب زمستانی می‌رسیم؛ یعنی بلندترین شب سال که از آن با عنوان یلدا نام می‌بریم، از راه می‌رسد. این زمان دقیقاً موقعی است که به اصطلاح ستاره‌شناسان خورشید به پایین‌ترین قطب در آسمان می‌رسد و برای همین روز کوتاه‌تر می‌شود. بعد هم که دوباره برای رسیدن به قطب اعتدال بهاری از طول شب کم شده و به طول روز اضافه می‌شود و این چرخه مدام ادامه دارد.

کنیم، باید بگوییم وقتی خورشید ظاهراً در حدود قاطبی قرار می‌گیرد که دایره استوای آسمانی به دایره البروج برخورد می‌کند، نخستین روز فروردین است که در آن شب و روز با هم مساوی است و در اصطلاح ستاره‌شناسان به آن اعتدال بهاری گفته می‌شود. موقعیت این دو دایره رفته‌رفته نسبت به هم تغییر می‌کند و به تدریج طول روز زیاد شده و از طول شب کم می‌شود. ۳ ماه طول می‌کشد تا به قطب دیگری می‌رسیم که به آن انقلاب تابستانی گفته می‌شود و آن روز اول تیرماه است. در این روز ما شاهد بلندترین روز و کوتاه‌ترین شب سال هستیم. بعد دوباره موقعیت این دو دایره نسبت به هم تغییر می‌کند و از آن روز به بعد طول شب و روز برعکس

ما در آسمان ۲ دایره معروف داریم که اگر چه آنها را با چشم نمی‌بینیم، اما برای ستاره‌شناسان و تقویم‌نویسان کاملاً مشخص و محرز هستند. یکی از این دایره‌ها دایره البروج است که شامل ۱۲ صورت فلکی یا همان ۱۲ برج سال است. ظاهراً خورشید ظرف یک سال از این ۱۲ برج عبور کرده و حدوداً هر ماه در یکی از این برج‌ها قرار می‌گیرد. دایره دیگری هم داریم که به آن استوای سماوی می‌گویند که تقریباً انعکاس استوای زمین در فضا است. این دایره‌ها ۲ بار در سال در آسمان با یکدیگر تقاطع می‌کنند که یکی از تقاطع‌ها اعتدال بهاری و دیگری اعتدال پاییزی را می‌سازد. در این ۲ حالت طول روز و شب تقریباً با هم برابر است. اگر بخواهیم به ترتیب از آغاز سال شروع